

سوزان لوری پارکز

برنده پولیتزر ۲۰۰۲ با نمایشنامه Top dog / under dog

SUZAN LORIPARKS

ترجمه امیر رضا توری زاده

Devotees in the garden of love - ۱۹۹۲

نخستین اجرا در جشنواره هومانا در شهر لوئیس ویل (۱۹۹۲) به کارگردانی لیز دایموند

۱۹۹۳ - نمایشنامه آمریکایی

نخستین اجرا در مرکز تئاتر دالاس (۱۹۹۳) به کارگردانی ریچارد فورمن

۱۹۹۶ - ونوس

نخستین اجرا در آوریل ۱۹۹۶ در سالن جوزف پاپ نیویورک به کارگردانی ریچارد فورمن

۱۹۹۹ - غرق در خون

نخستین اجرا در سالن پاپ نیویورک در نوامبر ۱۹۹۹ به کارگردانی دیوید ایورنسون

۲۰۰۱ - Top dog / under dog

نخستین اجرا در سالن جوزف پاپ نیویورک به کارگردانی ریچارد فورمن

سوزان لوری پارکز در کنتاکی متولد شد و دوران کودکی اش را در مانهاتن گذراند هر چند که بدلیل حرفه پدرش که افسر ارتش بود، پیش از سفر به آلمان در اواخر دوره دبیرستان، در آیالت زندگی کرده بود. پارکز در ادامه در مدرسه درام دانشگاه Yale و کالج مونت هولیوک تحصیل کرد.

او تاجحال جوایزی را از بنیاد راکفلر، بنیاد فورد، کنسول هنری دولتی نیویورک و بنیاد هنری نیویورک دریافت کرده است. او همچنین عضو انجمن هنرمندان مدرسه درام دانشگاه Yale است. او در سال ۱۹۸۹ از سوی مجله نیویورک تایمز به عنوان «برآمدترین نمایشنامه نویس تازه کار سال» برگزیده شد. وی در آوریل سال جاری برای نگارش نمایشنامه Top dog / under dog جایزه پولیتزر بهترین نمایشنامه را دریافت کرد. این نمایشنامه کمندی سیاه پیرامون دو برادر به نامهای لیکلن و بوث است که گذشته تاریک آنها همچنان بر آینده به ظاهر نامعلومشان سایه انداخته و آنها را از موفقیت های احتمالی دور می کند.

فهرست کارهای او عبارتند از: Mutabilities in the Third Kingdom ۱۹۸۹

Imperceptible

نخستین اجرا در سالن BACA Downtown نیویورک در سپتامبر ۱۹۸۹ به کارگردانی لیز دایموند

۱۹۹۰ - مرگ آخرین انسان سیاه پوست روی کره زمین

نخستین اجرا در سالن BACA Downtown شهر نیویورک در پاییز ۱۹۹۰ به کارگردانی بت شاپتر



پارکز نیز امروز شکوالتش در این شهر کوچک می گویند. فقط یک سال و نیم است که در این شهر سنگی نت دارم و هنوز نمی توانم خودم را یک نویسنده کامل بنویسم. من حتی یک نویسنده نیویورکی هم نیستم و فقط یک نویسنده ام.

پارکز اکنون مشغول نگارش یک فیلمنامه سینمایی و همچنین یک نمایشنامه موزیکال به نام HOOPZ است که قرار است توسط تئاتر نیویورک به روی صحنه بیاید. سوزان شالت، مدیر تئاتر کال آرژن توضیح می دهد که چگونه پارکز در زمینه تئاتر در مدارس به مشارکت با این مرکز پرداخته. یکی از مواردی که بنابر وروده به این مرکز در هفت سال پیش متوجه فقدان آن شدیم، نمایشنامه نویسی بود و خیلی زود دریافتیم که پارکز بهترین کسی است که می تواند برنامه های ما را پیش برد. ما از او خواستیم که تیزرهای جدیدی را در این مرکز آموزش به کار گیرد چون می دانستیم از کسی است که نمی خواهد همه دانش آموزان را نمایشنامه نویسی کند بلکه به شیوه کار خود کاملاً مسلط است.

با این همه تدریس تنها دانشمندی پارکز نیست و او همیشه بندهای راهنمای به هالیوود بوده. پارکز فیلمنامه Girl اثر برای اسپایک لی نوشت و اکنون مشغول انباشت رمان هشت از نویس موزیسون برای کبانی تولید فیلم اپرا رینفری است. در همین حال پارکز ۱۸ ماه پیش پارکز را برای دریافت نمایشنامه موزیکال HOOPZ بکار گرفت که مدتها بر روی نویسندگی دیگری به نام (در حال تکمیل) بود.

حضور پارکز در این پروژه در خواست شخص استوارت اوتکن (مدیر اجرایی بخش تئاتر دبیر) میسر شد زیرا پارکز استوارت است که نمایشنامه HOOPZ را با موسیقی جسیون لیسوری و کارگردانی ماریون میک کلنتون در آوریل سال بعد در نیویورک به روی صحنه برد.

با توجه به این حجم از فعالیت، جان گلورمدری تئاتر Tape شهر لس آنجلس با او از تاسف از عدم نمایش در آمدن آثار پارکز در این شهر اظهار داشت. این مشخسه است که این قدر به هم نزدیک باشیم ولی هنوز کاری از او بر روی صحنه نداشته ایم اما امیدواریم که کاری از پارکز به عنوان نمایشنامه اقتباسه سالن تازه تاسیس کریک داکلاس مورد استفاده قرار گیرد.

این اخبار شاید امیدوار کننده ترین چیزی باشد که پارکز در ماههای اخیر شنیده چرا که او همیشه در پی موقعیتی برای کارگردانی و حتی تهیه کننده ای آثار خود بوده و اجرای نمایشنامه ای تازه از او در تابستان ۲۰۰۲ در سالن کریک داکلاس بهترین موقعیت برای شروع بخاری تازه در دنیای تئاتر است هر چند که او برنامه بر از انجام نگارش خود را هرگز فراموش نخواهد کرد.

بررسی آثار و فعالیت های سوزان لوری پارکز

از بی مهری های تماشاگران...

سوزان لوری پارکز را باید یکی از برجسته ترین نمایشنامه نویسان کالیفرنیا، جنوبی محسوب کرد. گرچه کارهای او اکثراً با بی مهری تماشاگران مواجه می شوند. پارکز ۲۸ ساله که در کالیفرنیا زندگی می کند در ماه آوریل گذشته برای نمایشنامه Top dog / under dog جایزه پولیتزر بهترین نمایشنامه را دریافت کرد و بدینسان آن اقدام شد که از یکی از جوایز سالانه ۵۰ هزار دلاری بنیاد مک آرتور را که به استعدادهای درخشان اعطا می شود دریافت کرده است. این افتخارات در حالی نصیب لوری پارکز می شود که بدوینم تنها کار مطرح او the Third Kingdom - Mutabilites in Imperceptible بوده که فقط ۹۹ روز در سالن آودیتوریم در غرب آتلانتا به سال ۱۹۹۳ اجرا

فرآیند

برای اکثر نمایشنامه هایم به زیر زمین می روم و زمین را می کنم. این کار را آن قدر انجام می دهم که ایده اصلی نمایشنامه در ذهنم کامل شود. پس از اینکه از کندن زمین دست کشیدم، هنوز کار تمام نشده چون باید تغییراتی در آن انجام شود. از این پس این من هستم که باید به نمایشنامه گوش بدهم تا دریابم که به واقع چیست چون نمایشنامه مرا فرامی خواند و من بایستی به آن که هنوز در مرحله غیر مدون است، توجه کنم. این فرآیند گاهی هفته ها و گاهی همچون نمایشنامه «ونوس» حدود ۷ سال طول می کشد. با همه اینها در ابتدا افراد مرده زیادی در نمایشنامه های من بودند که بایستی به نوعی روی صحنه هم می آمدند و اولی حالا تقریباً هیچ آدم مرده ای در نمایشنامه هایم نیستند هر چند که هنوز هم قتل های زیادی در آنها انجام می پذیرد.

به عنوان یک نمایشنامه نویس، من همیشه مفتون هستم ولی اگر مفتون یک کاراکتر همچون «ونوس» باشید که در دهه ۱۸۰۰ زندگی می کند، جریان خیلی متفاوت از زمانی است که مفتون هستر Hester، (قهرمان نمایشنامه غرق در خون) باشید چون او یکی از خود ماست.

سوزان پارکز صحبت می کند: نمایشنامه مرا به خود فرامی خواند

نشریه معتبر Pen چاپ آمریکادر اوایل سال جاری از چند نویسنده و نمایشنامه نویس برتر جهان دعوت کرد تا با در نظر گرفتن چندین عنوان (Topic)، نظر خود را برامون آنها بیان کنند. سوزان لوری پارکز، برنده جایزه پولیتزر ۲۰۰۲ نیز یکی از چهره های منتخب بود.

آغاز

قبل از اینکه نمایشنامه نویسی را آغاز کنم، موزیکال ها را دوست داشتم. من هنوز CD نمایشنامه اوکلاهاما را بر روی دستگاه پخش شخصی ام دارم و هر روز آهنگ آخر آن «اوکلاهاما اوکی» را می زنم. از نظر من این بهترین آهنگ است. من عاشق موزیکال ها هستم و بیشتر موزیکالهای دهه ۱۹۴۰ را می پسندم و شگفتی ندارم که آنها چه بر آثارم تاثیر گذار بوده اند. وقتی در دانشگاه بودم، یک کلاس خوب را با جیمز بالدوین گذراندم و هر وقت نوشته هایم را در آن کلاس با صدای بلند می خواندم، هیجان زده می شدم. ما همه در یک دایره بسته می نشستیم و هر نفر بایستی در حین خواندن نوشته اش با حرکات لب ها نیز آن را بازی می کرد. حالا این نوشته چه رمان بود و چه داستان کوتاه، یک روز او به من گفت: تا به حال به نمایشنامه نویسی فکر کرده ای؟ و من هم سریع جواب دادم: خیر! من در آن زمان حتی برویچه های تئاتری را هم دوست نداشتم چون کلاه ها و لباس های سفرهای تن می کردند ولی همان روزها تصمیم گرفتم شانس خودم را در نمایشنامه نویسی هم آزمایش کنم چون می خواستم یک نویسنده باشم.

سیاست

مردم همیشه به من می گویند که کارهایم پر از ایده های سیاسی است ولی من هرگز هنگام نوشتن آنها به سیاست فکر نمی کنم بلکه با خودم می گویم: «قهرمانم چه کسی است؟ به کجا می رود؟ چه شغلی دارد و به کجا می رسد؟» من هرگز با خودم نمی گویم، «من باید درباره این سیستم اجتماعی چیزی بنویسم پس بگذار تا موضوع را به این شکل جلو ببرم»

اجتماع

من همیشه احساس خوش شانسی می کنم. قبل از اینکه نمایشنامه هایم در نیویورک اجرا شوند، در مدرسه تئاتر Yale و قبل از آن در پایین شهر بودم و معتقدم که فضای همه این مکانها دوستانه بود و این دوستی و محبت برای یک نویسنده ارزشمندترین و مهمترین فاکتور است. این به آن معنی نخواهد بود که دیگر نمایشنامه هایی با لحن تند نخواهم نوشت بلکه درک می کنم که چقدر محیط اطراف، حامی من و نوشته هایم است.

